

شیخ سعیدنورسی، اصلاحگری عارف و قرآن پژوهی قابل (۵۷۸-۶۴۳ ق)

ع.ر. امیردهی

زندگی نامه شخصیت های علمی - اجتماعی برای عموم مردم، عبرت انگیز و آموزنده است. معرفی افراد برجسته کشورهای مختلف اسلامی، می تواند دریچه هایی از کمال و معرفت را به روی مشتاقان بگشاید، به ویژه آن که برخی از شخصیت ها، با نگاه ژرف به مسائل اجتماعی - فرهنگی جامعه، گام های بلند و مؤثری در هدایت جامعه به سوی کمال و پیشرفت برداشته اند. یکی از علمای برجسته کرد در کشور اسلامی ترکیه، شیخ سعید نورسی، عالم قرآن پژوه است، که عمری را در این راه صرف کرد و در پایان عمرش شاگردانی خوب تحویل جامعه داد تا راه علم آموزی و نشر معارف قرآنی را ادامه دهند. در اهمیت شناخت زندگی و آثار علمی نورسی کافی است اظهارات اندیشمندان و مستشرقان در کنگره های سال ۱۹۹۲، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸ م که برای بازشناسی شخصیت نورسی تشکیل شده بود، ملاحظه گردد. بخش هایی از این اظهارات را آقای اورخان محمدعلی در کتاب «سعید النورسی فی نظر مفکری الغرب» بیان نموده است؛ هم چنین، دکتر ابراهیم ابو ربیع، ابعاد وسیع تری از دیدگاه و آرای اندیشمندان را در تحلیل افکار نورسی در کتاب «الاسلام علی مفترق الطرق» ارائه داده است.

در این نوشتار با برشمردن بخش های مهمی از سال شمار زندگی نورسی، با فعالیت های ارزشمند و طرح های علمی و فکری وی آشنا می شویم، به این امید که ارائه آن گامی مؤثر در ایجاد وحدت و انسجام اسلامی امت باشد.

وضعیت اجتماعی - فرهنگی ترکیه در عصر نوری

سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که زمان شکل‌گیری و رشد شخصیت علمی سعید نوری است با بحران‌های پیش روی جهان به ویژه ترکیه - زادگاه وی - همراه است، چنان که اوایل قرن بیستم، جنگ جهانی اول و دوم، سقوط خلافت عثمانی، روی کار آمدن رژیم لائیک، تلاش برای اسلام زدایی و منع هویت اسلامی و... زمینه را برای سیطره افکار و اندیشه‌های سکولاریستی و ضد دینی فراهم نمود. نقش نوری در سر و سامان دادن وضعیت اجتماعی - فرهنگی جامعه ترکیه با ترسیم موقعیت‌ها بهتر روشن می‌شود. احساس می‌شود در چنان فضایی، ظهور یک شخصیت علمی - عرفانی، عرصه‌های جدیدی را ایجاد کرده که اگر چنین اتفاقی نمی‌افتاد بخش‌های مهمی از جامعه مسلمان ترکیه، پس‌رفت علمی - فرهنگی می‌داشت و تحول فکری در آن به زودی امکان‌پذیر نبود.

به عبارت دیگر، در زمانی که هر گونه جنبش دینی مارک ارتجاعی می‌خورد و عالمان دین به پای میز محاکمه می‌رفتند و علاوه بر اندیشه، اندیشمندان دار زده می‌شدند و آموزش‌های دینی ممنوع شده بود و مسلمانان علاوه بر ممنوعیت از انجام عبادات دسته جمعی، از انجام عبادات انفرادی نیز منع شده بودند، و زنان مسلمان از داشتن حجاب در مجامع مختلف اجتماعی باز داشته شده بودند، در چنین فضایی، افرادی کمر همت بستند و برای نصرت اسلام و مسلمین از هیچ کوششی دریغ نکردند. یکی از شخصیت‌های برجسته در ترکیه، سعید نوری بود که از سویی دارای شخصیتی جامع‌الاطراف بود و از سوی دیگر تلاش خستگی‌ناپذیر وی به همراه زهد و تقوا و بی‌رغبتی به جاه و جلال دنیایی، او را به عنوان فردی مصلح و عارف در زمره احیاگران دین در قرن بیستم قرار داده بود.

در وصف وی آمده است: «سعید نوری در میدان اندیشه، مجاهد، و در عرصه جهاد متفکر بود، در پارلمان دیدگاه سیاسی‌اش را بر کرسی می‌نشانید و در میان عشایر، سنت‌های پسندیده را توضیح داده و در جامعه نکات اخلاقی را بیان می‌نمود. بر روی منبر از وحدت می‌گفت و وحدت حوزه و دانشگاه را برای اولین بار مطرح و تأسیس دانشگاه الزهرا را در مقابل دانشگاه الازهر پیشنهاد کرد. هم‌زمان متفکری ستودنی، رهبری سیاسی، نویسنده‌ای توانا و سخنوری جذاب و فصیح بود. وی موفق شد ایده‌هایش را در عرصه علم و عمل با پرورش شاگردانی بزرگ تحقق بخشد، و پس از خویش، یادگارهای چندی به جای گذارد.»

سال‌شمار زندگی سعید نوری

۱۸۷۶ م: در روستای «نورس» استان بدلیس^۱ (یکی از سه استان شرقی امپراطوری عثمانی) در ترکیه کودکی در میان خانواده‌ای مذهبی و متعبد به دنیا آمد که وی را «سعید» نام نهادند. پدر و مادر وی بر اساس تعالیم دینی به تربیت او پرداختند. حساسیت و دقت والدین او نسبت به رشد فضایل فرزندشان توجه استادش ملا نور محمد را جلب کرد به گونه‌ای که وی تصمیم گرفت به پدر و مادر سعید سری بزند و از شیوه تربیت این بچه با خبر شود. فاصله روستای پیرمس، که استادش در آن‌جا به تعلیم وی مشغول بود، تا نورس شش الی هفت ساعت پیاده‌روی بود.

ملا نور محمد وقتی به خانه پدر سعید، صوفی میرزا رسید، مادر سعید از وی پذیرایی نمود. ملا از نوری پرسید: این بچه را چگونه پرورش داده‌اید؟ پاسخ داد: زمانی که سعید هنوز متولد نشده بود، هیچ وقت بی‌وضو نبوده‌ام و وقتی که به دنیا آمد بی‌وضو به او شیر نداده‌ام.

اندکی بعد صوفی میرزا هم پیدا شد و دو گاو ماده و دو گاو نر را همراه داشت که ظاهراً آنها را از چرا بر می‌گرداند، اما ملا نور محمد و همراهانش از این که دهان گاوها را بسته دیدند تعجب کردند، پدر سعید پس از خوش‌آمدگویی از مهمانان در جواب آنها که در مورد بستن دهان گاوها از او سؤال کردند، گفت: مزرعه‌ام کمی دور است و ناچارم هنگام رفت و آمد از کنار مزرعه همسایه‌هایم عبور کنم، به همین سبب دهان گاوها را بسته‌ام تا از گیاه و علوفه همسایگانم مصرف نکنند، چون من نمی‌خواهم حتی یک لقمه حرام، به خانه‌ام راه پیدا کند.

۱۸۸۵-۱۸۸۶ م: تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های قدیمی آن روز آغاز کرد. ابتدا نزد ملا محمد افندی و در ایام تعطیلی و استراحت هفتگی نیز نزد برادر بزرگترش ملا عبدالله به تحصیل پرداخت.

۱۸۸۶-۱۸۹۱ م: به فراگیری علوم و معارف دینی ادامه داد. ادبیات عربی (صرف و نحو) را در مدارس دینی فرا گرفته و در این ایام از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر رفت تا وجود تشنه‌اش را از زلال علوم سیراب سازد.

۱۸۹۱-۱۸۹۲ م: به صورت جدی آموزش علوم را نزد شیخ محمد جلالی پی گرفت. وی با فراگیری کتاب‌های معمول و رایج آن زمان، در مدت زمان کم، به دریافت درجه «اجازه علمی» (گواهینامه عالمی) موفق شد. در این هنگام، گفت‌وگوهای علمی‌اش را با اساتید و علمای عصر خود آغاز کرد. شرکت در مناظرات علمی و تفوق در آن وی را به گونه‌ای برجسته نشان داد که

۱- «بدلیس» در کاربرد زبانی به صورت مختلف تلفظ شده است مثل: تبلیس، بدلیس، پتلیس و بطلیس.

«بدیع‌الزمان» (شگفتی عصر)، لقب گرفت. میان سعید نوری و عالم مشهور فتح الله افندی در سعید ملاقات و گفت‌وگویی صورت گرفت که سعید از امتحان و سؤالاتی که این عالم مشهور از او پرسید سربلند بیرون آمد و هیچ یک از سؤالات او را بی‌پاسخ نگذاشت. وی در عرض یک هفته توانست کتاب دو جلدی «جمع الجوامع» در علم اصول را در خدمت این استاد با دو یا سه ساعت درس، حفظ نماید؛ از این رو ملا فتح‌الله بر روی جلد کتاب خود نوشت: «لقد جمع فی حفظه جمع الجوامع جمیعہ فی جمعة»؛ یعنی: همه کتاب جمع الجوامع را در مدت یک هفته در حافظه‌اش جمع کرده است.

۱۸۹۲ م: در استان ماردین به بررسی و پاسخ‌گویی به مهم‌ترین مسائلی که جهان اسلام با آن روبه‌رو بود، پرداخت.

۱۸۹۳-۱۸۹۵ م: سعید نوری به استان بدلیس سفر کرد تا به محافظت از افکار دینی در این استان پرداخته و با پاسخ‌گویی به شبهات شبه‌افکنان، به روشن‌گری علمی مردم منطقه بپردازد. در طی دو سال از حضورش در این منطقه ضمن اشتغالات علمی، چهل کتاب از کتاب‌های دینی را مطالعه نمود.

۱۸۹۵-۱۸۹۷ م: در استان «وان» مدرسه‌ای را تأسیس کرد و به اصلاح نظام آموزشی رایج در مدرسه‌های سنتی و رایج پرداخت. وی معتقد بود باید در آموزش رشته‌های علوم جدید از قبیل ریاضی، فیزیک، شیمی و... کوشا بود و عالم دینی علاوه بر آگاهی از موضوعات علمی مدارس دینی باید از داده‌های دانش جدید نیز آگاه باشد. از سوی دیگر، بعد از شنیدن خبر سخنرانی گلاستون نخست‌وزیر انگلیس که (در مجلس عوام انگلستان) یک جلد قرآن را به روی دست گرفته و گفته بود: «تا زمانی که این قرآن در دست مسلمانان باشد، ما نمی‌توانیم بر آنها حکومت کنیم، لذا ناچاریم این قرآن را از بین برده یا این که رابطه مسلمانان را با آن قطع کنیم»، با خود عهد نمود که تمام زندگی‌اش را در راه نمایان ساختن عظمت قرآن صرف کند و عزم خود را جزم نمود تا برای خدمت به قرآن یک دانشگاه اسلامی را در شرق آناتولی، یعنی کردستان، با سبک دانشگاه الازهر مصر به نام «الزهر» تأسیس کند. به این منظور در سال ۱۸۹۶ به استانبول رفت و به مدت یک سال و نیم در خانه یکی از دوستانش اقامت کرد تا طرح خود را به متولیان امر تقدیم کند و می‌کوشید تا شاید طرح او را تصویب کنند ولی عاقبت با دست خالی به «وان» برگشت.

نوری برای آن‌که این ایده را محقق سازد به ایجاد مدرسه‌ای به نام «مدرسه الزهرا» پرداخت و در آن مدرسه آموزش‌های قدیم و جدید را در هم آمیخت. علاوه بر آن به عنوان یک عالم

دینی، در درگیری‌ها و منازعات قبایل و اقوام مختلف نقش واسطه و اصلاح‌گر را داشت و به میان آنها می‌رفت.

۱۹۰۰ م: در آغاز قرن بیستم، استعمار پیر انگلیس به مقابله با قرآن و تعالیم قرآنی پرداخته بود. نوری در این فضای آلوده، تصمیم گرفت قرآن را به عنوان دانش حقیقی و پیشرفته برای هدایت و اصلاح جامعه مطرح کند.

۱۹۰۷ م: دامنه فعالیت نوری به پایتخت حکومت عثمانی، استانبول رسید. وی برای کسب تأیید و پشتیبانی رسمی حکومت از فعالیت‌های علمی اش در دانشگاهی که ایجاد کرده بود و نیز جهت پیشرفت استان‌های شرقی، درخواست‌هایش را به سلطان عبدالحمید ارائه داد، اما با بداقبالی روبه‌رو شده و به جای آن‌که مورد حمایت قرار گیرد، حدود ۲۴ روز را در بازداشت و زندان به سر برد و پس از آن، حضورش در پایتخت به تثبیت مقام و جایگاه علمی وی منجر شد.

۱۹۰۸ م: به مناسبت اعلان قانون اساسی دوم ترکیه که در آن آزادی و حکومت مشروطه مطرح شده بود، نوری یک سخنرانی عمومی ایراد نموده و در آن، تأکید کرد که دو موضوع مذکور با شریعت اسلامی سازگار است. وی در این ایام تلاش کرد افکارش را درباره اصلاح نظام آموزشی، وحدت امت اسلامی و دیگر امور اشاعه دهد و از این رو به تدوین مقالاتی در روزنامه‌ها پرداخت و در عرصه زندگی اجتماعی - سیاسی فعال شد، چنان که در گروه «اتحاد محمدی» (یا گروه اتحاد اسلامی) به فعالیت پرداخت. این تلاش موجب گردید که وی به بهانه حادثه ۳۱ مارس (آوریل ۱۹۰۹ م) دستگیر شود و در دادگاه نظامی محاکمه گردد. وی پس از ۲۴ روز بازداشت از اتهامات وارده، تبرئه و آزاد شد.

۱۹۱۰ م: اولین مجموعه علمی حاوی سخنرانی‌ها و مقالات وی با عنوان «نطوق» نشر یافت.

۱۹۱۰ م: فصل تابستان، فصل مسافرت سعید نوری به میان قبایل استان‌های شرقی بود. وی به تشریح و تبیین حکومت مشروطه و چگونگی آن برای پیشرفت و وحدت جهان اسلام پرداخت. در طی این سفر، گفت‌وگوهایی بین او و علما و بزرگان قبایل صورت گرفت. وی مجموعه آنها را به انضمام مطالب مربوط به اصلاح نظام آموزشی، در کتابی ابتدا به زبان عربی و سپس به زبان ترکی نشر داد. یکی از کتاب‌های او که در آن، عالمان و اندیشمندان مخاطب قرار گرفته بودند، با عنوان «محاکمات»، در سال ۱۹۱۱ و کتاب دیگر او که در آن همه مردم مورد خطاب واقع شده بودند با عنوان «مناظرات» در سال ۱۹۱۳ منتشر شد.

۱۹۱۱ م: در این سال او به دمشق رفت و در مسجد جامع اموی سخنرانی کرد که این سخنرانی به «خطبه شامیه» مشهور شد. در آن سخنرانی، وی به تحولات جهان و تمدن اسلامی اشاره کرد و قرآن را به عنوان تنها راه حل مشکلات جهان اسلام معرفی نمود. وی تصریح کرد که داروهای شفابخش را باید از داروخانه قرآن دریافت نمود. متن این سخنرانی پس از مدت کوتاهی دوبار چاپ شد و سال بعد در استانبول هم منتشر گردید.

در بازگشت از دمشق، از بیروت و ازمیر دیدن کرد، سپس به عنوان نماینده استان‌های شرقی در بازدید رسمی سلطان محمد رشاد از مناطق بلقان شرکت جست و در این سفر توانست به وعده کمک مادی برای دانشگاهش در شرق دست یابد.

در همین سال پیش از آن که به «وان» برگردد مدت کوتاهی در استانبول ماند و به چاپ دفاعیاتش در دادگاه نظامی پرداخت و در سال بعد هم آن را تجدید چاپ کرد.

۱۹۱۲-۱۹۱۳ م: پس از دریافت کمک مادی از استانبول، ساخت بنای جدید «مدرسه الزهرا» را در ساحل دریاچه وان آغاز کرد، اما کار آن به پایان نرسید و وی هم‌چنان در مدرسه قدیمی به تدریس پرداخت.

۱۹۱۴-۱۹۱۶ م: با شروع جنگ جهانی اول، سعید نوری به ارتش پیوست و از سوی انور پاشا به عنوان فرمانده نیروهای چریکی منطقه شرقیه برگزیده شد. در این اثنا وی با جمع‌آوری شاگردانش ضمن ارایه آموزش نظامی به آنها، به تدریس هم می‌پرداخت. گروه وی در جنگ دوم روس‌ها در سال ۱۹۱۶ به دفاع از باسیلر پرداخته و وقتی که نیروهای روسی پیشروی در منطقه را آغاز کردند، نیروهای نوری به نجات شهروندان (زنان و کودکان ارمنی) پرداختند.

۱۹۱۶-۱۹۱۸ م: پس از سقوط شهر بدلیس، سعید نوری به اسارت جنگ‌جویان روسی درآمد، اما در بهار سال ۱۹۱۸ از اردوگاه اسیران فرار کرد و به استانبول برگشت.

۱۹۱۸-۱۹۲۲ م: نوری در اواخر دهه دوم قرن بیستم، به استانبول رفت تا فعالیت علمی - اجتماعی خود را ادامه دهد. وی در مؤسسه علمی جدیدالتأسیس به نام «دار الحکمة» که با هدف نشر مبانی دینی و آموزه‌های اخلاقی ایجاد شده بود، فعالیت‌های پژوهشی خود را آغاز کرد و به رغم بیماری جسمی، موفق شد در این دوره به نشر برخی از نوشته‌ها و تألیفات خود بپردازد، از جمله:

- اشارات الاعجاز، دربردارنده ویژگی‌های اعجاز قرآن کریم؛

- طلوعات، تبیین‌کننده آرای قرآن در موضوعات گوناگون، به ویژه تمدن؛

- لمعات؛

- اشارات؛

- سنوحات

وی اشغال سرزمین اسلامی را محکوم کرده و در کتاب «الخطوات الست» ضمن تأیید مسئله جهاد برای کسب استقلال نیروهای ملی در آناتولی، فتوای شیخ الاسلام درزاده را رد کرد.

۱۹۱۹ م: در این سال سعید نوری برای حفظ ارزش‌های آموزشی و اهتمام به آن در مدارس، عضو مؤسس «انجمن معلمان» گردید.

۱۹۲۰ م: با هدف مبارزه با پخش مشروبات الکلی و سایر مسکرات، عضو مؤسس «جمعیة الهلال الأخضر» گردیده و به فعالیت پرداخت. در همین سال با انتشار مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌ها، با توافق ارمنی - کردستانی درباره خودمختاری کردستان ترکیه مخالفت نمود.

۱۹۲۱ م: این سال برای وی آغازی دیگر جهت خودسازی، خلوت‌گزیدن، تأملات عقلی و تلاش روحی برای دستیابی به مفاهیم بلند قرآنی به عنوان هدایت‌گر حقیقی بود. وی همچنین در این سال، به کتابت موضوعات به زبان عربی و جمع‌آوری نوشته‌ها پرداخت، که بعدها به نام «المثنوی العربی النوری» نشر یافت.

۱۹۲۲ م: برای پاسخ‌گویی به درخواست رهبران در پایتخت جدید (آنکارا)، استانبول را به قصد آنکارا ترک کرد. در نوامبر همین سال، مجلس ملی در آنکارا لغو رژیم سلطنتی را تصویب کرد.

در مجلس ملی ترکیه به طور رسمی مورد استقبال قرار گرفت و در برابر اکثریتی که داعیه غربی شدن و لائیک بودن را داشتند بر تمسک به مبانی دینی و اسلامی تأکید نمود. در کشاکش این تقابل، وقتی دریافت تلاش او بی‌ثمر است، وظایفی را که مصطفی کمال به او پیشنهاد کرده بود، نادیده گرفت.

۱۹۲۳ م: هم‌چنان در آنکارا ماند تا رهبران سیاسی را به ایجاد مدرسه‌ای که همانند دانشگاه‌های استان‌های شرقی باشد، وادار کند.

۱۹۲۴ م: با روی کار آمدن حاکمان جدید، خلافت و منصب شیخ الاسلامی و دادگاه‌های شرعی لغو گردید و مدارس دینی بسته شد.

۱۹۲۵ م: تکایا و زاویه‌های صوفی (مکان‌های دعا و خلوت صوفیان) و آرامگاه‌های اولیای صالح و... بسته شد.

۱۹۲۶ م: حکومت لائیک قانون مدنی سوئیس را به اجرا گذاشت.

۱۹۲۸ م: به کارگیری الفبای عربی ممنوع اعلام شد و به جای آن، الفبای لاتین رسمیت یافت.

۱۹۳۲ م: مبارزه با مظاهر دینی به جایی رسید که «اذان» به زبان عربی ممنوع شد. دوران سختی فرا رسید و عزلت‌نشینی، تبعید به بور دور، غرب آناتولی، انتقال به اسپارت، و سپس به منطقه روستایی دور دست به نام «بارلا» از جمله اموری بود که نوری با آن دست و پنجه نرم کرد.

در این ایام، وی برخی از نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود را سر و سامان داد و کتاب‌های «الکلمات»، «المکتوبات» و «اللمعات» را آماده کرد.

۱۹۳۵ م: سعید نوری به همراه حدود ۱۲۰ نفر از شاگردانش در اسپارت و مناطق دیگر زندانی شدند. پس از مدتی و در سال ۱۹۳۶، حدود ۹۷ نفر از شاگردان او از زندان آزاد شدند و وی به خاطر مطالبی که دربارهٔ حجاب نوشته بود به یازده ماه زندان محکوم گردید.

۱۹۳۶-۱۹۴۰ م: پس از آزادی از زندان، وی را مجبور کردند که در «قسطنونی» زندگی کند، از این رو تحت مراقبت شدید قرار گرفت، به گونه‌ای که هرگونه تماس با وی به سختی صورت می‌گرفت.

۱۹۴۱-۱۹۴۹ م: دههٔ چهل همانند گذشته، بر نوری سخت گذشت. نه ماه در زندان دینزلی و تدوین کتاب «ثمرات الایمان» و سپس زندگی در شهر دینزلی و تبعید به امیر داغ و مبارزه با افکار الحادی و کمونیستی و سپس بیست ماه در زندان آفیون به سر بردن، از حوادث این دهه است. در بیستم سپتامبر ۱۹۴۹ از زندان آزاد شد، در حالی که هفتاد بهار از عمر وی گذشته و زندگی در تبعید و زندان جسم او را ضعیف کرده بود.

۱۹۵۰ م: با انجام انتخابات عمومی، حزب دموکرات به پیروزی قاطع بر حزب ملی جمهوری دست یافت و به حاکمیت بیست و پنج سالهٔ آن، خاتمه داد. در این سال، قانون منع اذان گفتن به زبان عربی لغو شد. هم‌چنین، عفو عمومی صادر شد و سعید نوری هم مشمول عفو قرار گرفت و از فرصت پیش‌آمده برای ترویج افکار دینی و از بین بردن افکار کمونیستی و... به خوبی استفاده کرد. وی مراقب بود که هم خود و هم شاگردانش به طور مستقیم در مسائل سیاسی دخالت نکنند.

۱۹۵۱-۱۹۵۲ م: نوری برای برقراری ارتباط با شاگردانش، به شهرهای امیرداغ، اسکی شهر و اسپارت رفت و آمد نمود. در همین سال جلال بیار اعلان کرده بود که حکومت ترکیه در صدد تأسیس دانشگاهی در «وان» است و سعید که از ایام جوانی تلاش می‌کرد دانشگاه اسلامی ایجاد کند، از این کار استقبال کرد.

۱۹۵۳ م: پس از ۲۷ سال، نوری از استانبول دیدن کرد تا به تهمت‌هایی که در پی نشر کتاب

«مرشد الشباب» متوجه وی شده بود، پاسخ گوید. در مدت اقامت سه ماهه‌اش در استانبول از کلیسای ارتدوکس هم دیدن نمود که این دیدار در حقیقت مهر تأییدی بود بر این دیدگاه وی که مسلمانان و مسیحیان باید با وحدت کامل علیه الحاد و بی‌دینی مبارزه کنند.

۱۹۵۴ م: از تبعیدگاه «بارلا» که بخش مهمی از کتاب «الرسائل» را در آن‌جا نوشته بود، دیدن کرد.

۱۹۵۵ به خاطر مشقت و سختی‌های سفر، به همراه عده‌ای از شاگردانش، وسیله نقلیه (اتومبیل مدل ۱۹۵۳) خریداری کرد. در همین سال، پیمان بغداد را امضا نمود و طی پیامی به نخست وزیر و رئیس جمهور ترکیه، امضای توافق‌نامه را به آنان تبریک گفت و آن را گامی مثبت برای ترویج صلح و اعاده ارتباط میان ترکیه و کشورهای اسلامی بلکه دوستی با غرب مسیحی تلقی کرد.

۱۹۵۶ م: دادگاه آفیون اتهامات مربوط به نشر کتاب «الرسائل» را رد کرد و شاگردان نوری اجازه یافتند در آنکارا و استانبول به چاپ کتاب با الفبای لاتین بپردازند. پیش از این، کتاب مذکور به صورت خطی و رسم الخط عربی نشر یافته بود.

۱۹۵۷ م: طرفداران و شاگردان حرکت «نور» به صورت چشم‌گیری به فعالیت علمی در سراسر کشور پرداختند. سعید نوری به طور علنی حزب دمکرات را در انتخابات عمومی تأیید کرد تا حزب ملی جمهوری به ریاست دست نیابد.

۱۹۵۹ م: برای دیدار با شاگردانش به آنکارا و سپس به امیر داغ رفت. در همین سال به زیارت برادرش عبدالمجید و قبر مولانا جلال‌الدین رومی در قونیه رفت.

۱۹۶۰ م: در استانبول برای آخرین بار به شاگردانش نکاتی را یادآوری کرد و آنان را به ادامه راه ترغیب و تشویق نمود.

یک بار دیگر با دیدار کنندگانش ملاقات کرد و از راه قونیه به امیر داغ رفت. هر روز بر کسالت وی افزوده می‌شد. به اسپارت و سپس به شهر اورفا در جنوب شرقی آناتولی رفت. بیماری وی شدت یافت. عده زیادی به دیدار وی در هتل محل اقامتش رفتند، و بالاخره، با شدت یافتن بیماری، در ۲۳ مارس ۱۹۶۰ دعوت حق را لبیک گفت و در فردای آن روز در نزدیکی مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در اورفا دفن شد.

با کودتای نظامی در ترکیه، حاکمان درنده‌خوی، به نیش قبر وی پرداخته و بدن او را برای دفن، با هواپیما به مکان نامعلومی بردند.

شخصیت علمی - قرآنی نوری

از ویژگی‌های مهم سعید نوری، نگاه ژرف وی به قرآن به عنوان یک محقق قرآنی است. او همانند برخی از متفکران برجسته دیگر، دیدگاه‌ها و آرای وی را مطرح کرده است که در خور تأمل و قابل نقد و ابرام می‌باشد. ترویج افکار قرآنی در فضای تاریک و اختناق حکومت لائیک‌ها در ترکیه، بسیار ستودنی است. آثار برجای مانده از وی بسان گنجینه‌ای انباشته از گوهرهای دانش و معرفت، رهاوردی بدیع و کارآمد در عرصه هدایت امت اسلامی و طرحی نوین در تقابل با چالش‌های جدید اسلام با فرهنگ و تمدن غرب، به شمار می‌آید. این نگاه‌ها همانند آذرخش آسمانی، ریشه ظلمت زمانه را خشکاند و به دنبال خود، باران معرفت و دیانت آگاهانه را بر جان لب تشنگان هدایت فرو بارید. او جامعه خفته و در جهل فرو رفته آن روز ترکیه را چنان به خود آورد که هنوز هم آهنگ بیداری و اسلام‌جویی آن در گوش جان‌های بیدار آن سرزمین طنین‌انداز است.

بدیع‌الزمان نوری افزون بر ۱۵۰ (صالحی، ۱۹۹۸ م، ص ۲۴) و به قولی ۱۳۰ (بکیر، ص ۹۷) رساله قرآنی در حوزه علم و معرفت اسلامی در کارنامه دانش خود به ثبت رساند که همگی آنها به خوبی نشان‌دهنده بنیان تفکر و ساختار نگرش عالمانه او به مجموعه هستی است.

او بیشتر آنها را در دوران تبعیدش به «بارلا» از سال ۱۹۲۶ به بعد به رشته تحریر درآورد و همه آنها را در مجموعه با مسمایی به نام «رسائل النور» سامان داد. این یادداشت‌ها در چهار بخش اصلی به هم پیوسته، عمده آثار قرآنی نوری را تشکیل می‌دهد. نوری در این باره که چرا تراوش‌های قلم خویش را «رسائل النور» نامیده، می‌گوید: «واژه «نور» در طول زندگی‌ام همواره در هر جا که گام نهادم فرا روی من بود، اسم روستایی که در آن به دنیا چشم گشودم «نورس»، اسم مادرم «نوریه»، نام استادم در طریقه نقشبندی «سید نور محمد»، استاد دیگرم در مسلک قادریه «نور الدین»، از معلمان قرآنی‌ام «نوری» و در اسم اکثر شاگردانی که ملازم من در تحصیل معارف بودند، واژه «نور» موجود بود. به نوعی «نور» در سراسر زندگی من تجلی و تبلوری خاص داشت». (نوری، ۱۹۹۵ م، ص ۷۰-۷۱).

مجموعه «رسائل النور» از چهار بخش اصلی تشکیل شده است و هر کدام با عناوینی خاص شامل بخشی از نگاه‌های نوری در حوزه فرهنگ قرآنی و اسلامی می‌باشد. این چهار بخش به ترتیب عبارت است از: ۱- سوزلر (الكلمات)؛ ۲- مکتوبات (المکتوبات)؛ ۳- لمعات (اللمعات)؛ ۴- شعاعلر (الشعاعات). هر یک از بخش‌های این کتاب خود دربردارنده رساله‌های مستقل و متنوعی درباره

علوم اسلامی، به ویژه تفسیر و علوم قرآنی، می‌باشد. تعداد این رساله‌ها در سه بخش اول ۳۳ رساله و در بخش «شعاعلر» ۱۵ رساله می‌باشد.

برای آگاهی بیشتر از اندیشه‌های قرآنی بدیع الزمان سعید نورسی علاوه بر مراجعه به کتاب‌هایش، می‌توان از مقاله خوب آقای علی راد در مجله معرفت شماره ۷۳ استفاده نمود. این مقاله دارای عناوین زیر است: تعریفی ژرف از قرآن؛ عدم امکان ترجمه حقیقی قرآن؛ پدیدارشناسی وحی از نگاه نورسی؛ تفسیر و باید‌های آن از منظر نورسی؛ شرایط تفسیر عصری؛ اعجاز قرآن؛ ابعاد معجزه جاوید؛ دیدگاه صرفه در اعجاز قرآن از نگاه نورسی؛ تأویل و تشابه در اندیشه نورسی. شایسته است که افکار این اندیشمند و قرآن‌پژوه قابل، مورد استفاده دوستداران دانش قرار گیرد.

منابع و مآخذ:

- ۱ - ابو ربیع، ابراهیم، الاسلام علی مفترق الطرق (رحلة فی حیاة و فکر بدیع الزمان سعید النورسی)، ترجمه محمد فاضل، از زبان ترکی به عربی؛ شرکت سوزلر للنشر، قاهره، چاپ اول، ۲۰۰۵م.
- ۲ - اورخان، محمدعلی، سعید النورسی رجل القدر فی حیاة امة، دار الفضیلة، قاهره.
- ۳ - ایوبی‌نیا، خالد، زندگی‌نامه اسطوره تقوا و مجاهدت شیخ سعید نورسی، (سایت زیتون سرخ).
- ۴ - بدیع الزمان سعید النورسی و أثره فی الفكر و الدعوة، دار الحق، دمشق، ۲۰۰۰ م.
- ۵ - بوطی، محمدسعید رمضان، سعید النورسی حیاة و آثاره.
- ۶ - دباغ، ادیب ابراهیم، سعید النورسی رجل الايمان فی محنة الكفر و الطغیان.
- ۷ - راد، علی، «بازشناسی پژوهش‌ها و اندیشه‌های قرآنی بدیع الزمان سعید نورسی»، مجله معرفت، شماره ۷۳.
- ۸ - صالحی، احسان قاسم، بدیع الزمان النورسی فکرة و دعوتة، العهد العالمی للفکر الاسلامی، مکتب اردن، ۱۹۹۸ م.
- ۹ - _____، بدیع الزمان سعید النورسی نظرة عامة عن حیاة و آثاره، نشریات نور، بی‌تا، بی‌جا.
- ۱۰ - عبدالحمید، محسن، النورسی رائد الحركة الاسلامية.
- ۱۱ - _____، النورسی متکلم العصر الحديث و کتاب.

- ۱۲ - نورسی، سعید، الملاحق فی فقه دعوة النور، ترجمه احسان قاسم صالحی، دار سوزلر، استانبول، ۱۹۹۵ م.
- ۱۳ - ویسی، زاهد، تاریخ دعوت و اصلاح، زندگانی شیخ سعید نورسی، نشر احسان، بی‌جا، بی‌تا.

